



۲۰۱۸/۰۱/۰۵

میر عنایت الله سادات

کابل

کابل تو ای دیار غرور و حماسه ها
 از رزم دلیران تو صد ها سروده ها
 از روزگار باستان تو سازد خبر همی
 شیوا مدایح و خجسته قصیده ها
 فرهنگ آریا ، ترا پرشکوه ساخت
 از فیض آنزمان تو هر جا ترانه ها
 مردان نامدار تو برجا گذاشته اند
 صد ها حکایتی و هزاران فسانه ها
 از سعی مادران تو پروریده شد
 دوشیزگان کار فهم ، برای عرصه ها

رودابهⁱ ای کابلی ، بیآورد رستمی
 باشد به یاد رستم هر جا نشانه ها
 مدفون خاک تو آثار بس بزرگ
 رُخشد قدامت تو ، ز نقش کتیبه ها
 ز آنرو ضرورتیست ، که یابند ز مهد تو
 کاوشگران ، عظمت و فر زمانه ها
 "بابر" بباخت دل به تو و آرمید کنار تو
در بییشهⁱⁱ ای مشجر ، دربین سبزه هاⁱⁱ
 توصیف باغ و راغ تو کردند شاعران
 چون صائب اصفهانیⁱⁱⁱ ، کزو مانده ناله ها
 گاهی ترا جنت فردوس^{iv} در قیاس
 بی جا نبود که بگفتند چنین تشابه ها
 "طرزی" ز جسم و جان^v سخن در میان کشید
 "جان وطن" تویی ، ای شهر زنده ها
 اشعار دلپذیر سرودند به پاس تو
صفا و اعظمی^{vi} و دگر چاک سینه ها
 هریک ستایشی مرصع نمود به نظم
 یادی ز "عیار کابلی" و مردانه "کاکه" ها
 سیمای نو بهار تو رشک بهشت بود
 از فیض مرغکان و گلبنانگ چهچه ها
 رومی اشارتی به عجوبه ای تو کرده گفت
 کابل بود مرادف سحر آفرین^{vii} حدیقه ها
 خنیا گران نوای دل انگیز میکشید
 افسونگران همه با چنگ و چغانه ها
 لیکن فسوس طرب ات پایه دار نبود
 زردی گرفت بهار تو ز گردش زمانه ها

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
 یادونه: دلپکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليزلو مخکې په ځير و لولئ

در سایه ای مذاهب و آئین زنگی
غار ت نمود ترا ، مختلف سلاله ها
گاهی زدور و گهی از جوار تو
در غم نشاند ترا یورش جنگ باره ها
در قلب آسیا^{viii} تو بودی دژ بلند
ز آنرو شنافتند مهاجمین ز هر کرانه ها
تحلیل گران ز موقف تو باخبر شدند
دادند صراحتی که برملا بشد بهانه ها
دشمن کمر ببست که ویران کند ترا
آتش زدت به نام مذاهب و اقوام فتنه ها

بر پایه ای منافع و تمویل دیگران
ظاهر شدند اجیران به شکل فرقه ها
هریک مقابل هم ، سنگری بساخت
از جنگ نابکاران ، به هرسو کشته ها
واحسرتا که نامراد ، برفت از کنار تو
مردان کاردان و استاد حرفه ها
پدر مرا که به حب تو پروریده بود
نالید در ماتم تو و سرائید چکامه ها
گفتا که کابل بدتر از کربلا شدست^{ix}

با این دریغ بسر ببرد واپسین لحظه ها
کابل تو زیر پای اجیران چرا شدی ؟
پرسیدم این سوال و نیافتم کنایه ها
راویان ز نام تو ساختند مرکبی^x
ترکیبی ز آیل و ز قابیل قرینه ها
آن دو گذاشتند ، برادرکشی به ارث
گوئی عناداها ، رسیده بما از گذشته ها
تو رنجه ز گردش دوران برده ئی
ار خون رفته گان تو سرزد لاله ها
اما عداوتی که در لباس "تقدس" بشد
هرگز نخوانده کس ، در طول سده ها
ز آنرو بجاست که گویند به آن دهه
این بوده است ، سیاه ترین دوره ها
توپ و تفنگ و راکت همه زبانه کرد
آتش بزد به هستی مردم درون کلبه ها
زدی و غارت ، نشد لحظه ای دریغ
بردند ثروت ترا و نماندند خزانه ها
دیو سار وحشی ، در پی آزار کشتگان
راضی بشد ز خویش ، از رقص مرده^{xi}
نی شرمی از خدا و نه از بنده های او
کردند انتخاب شرارت ز پیشه ها
از دور آریا و خراسان هر آنچه بود
سوختند ، شکستند و دزدیدند ز موزه ها
نی مصنونیت منازل و نی حکم محکمه

د پانو شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

تاختند به امر خود درون کلبه ها
صد ها زن جوان نمودند انتحار
تاوار هند خویش را ز ارواح خبیثه ها

" کابل بسوخت و دودش بلند بشد" ^{xii}

با این مطلع سرائید جوان تو نغمه ها
ویرانی ات نداشت نظیری به عصر ما
الحق که در جهان نه یابی چنین خرابه ها
کابل تو مهد فرهنگ و تاریخ آریا
در عصر خراسان بودی شهیرشهره ها
" تیمور" ^{xiii} ترا مرکز افغان زمین بساخت
حالا چه شد، که فتاده هرسو زباله ها
ویرانگران تو خوار و زبون شوند
وقتا که آه آتشین ات برآرد زبانه ها
بیچاره ساکنان تو طالب "عنایت" اند
جویای صلح و امن به دعای شبانه ها

-
- رودابه : دختر مهرباب کابلی و زن زال است . رستم فرزند رودابه و زال میباشد .¹
- توصیف آرامگاه وی در " باغ بابر " واقع در گذرگاه کابل¹
3- صائب اصفهانی : صائب در نیمه ای قرن دهم هجری مدت چهار سال مهمان ظفر حسن حاکم کابل بود . شعر معروف او در وصف کابل با این مطلع آغاز میشود :
خوشا عشرت سرای کابل و دامان کوهسارش * که ناخن بر دل گل میزند مژگان هر خارش
- در شعر شاه شجاع تشبیه مذکور به این شکل آمده است : گرمی هندی دل و جان را بسوخت * کابل جنت و طنم آرزوست¹
- جانست کابل و همه افغان ستان جسد * خوبست هر چه هست درو کمتر است بد \ \ در لفظ نام خوب وی ار آوری نظر * یابی میان کل تو یکی آب چون گهر¹
6- ابراهیم صفا : ژورنالیست معروف و شاعر مشروطه خواه افغان بود . وی ضمن توصیف میهن اش در مورد کابل میگوید :
غلام جیلانی اعظمی (1314-1365) هه : شعری نغزی بنام " گلشن کابل " در وصف کابل سرود که از جانب هنرمندان افغان به چندین طرز کمپوز و خوانده شده است . مطلع : مشک سوده میبیزد صبح گلشن کابل * موج سیزه میکارد کوی و برزن کابل
- مولانای بزرگ جلال الدین بلخی (رومی) سروده ای دارند در بیان قدرت کشش کابل . عنوان شعراو " جادوگر کابل " نام دارد.¹
- اشاره به این شعر معروف علامه اقبال در مورد افغانستان است : آسیا یک پیکر آب و گل است * کشور افغان در آن پیکر دل است¹
9 - اشاره به ابیاتی از آخرین سروده ای میر عزیزالله سادات (پدر گوینده ای این قصیده) میباشد که همزمان با جنگ های کابل (جنوری 1994) به عمر 84 سالگی در غربت از وطن وفات یافت . از اوست : برادر بابرا در جنگ دارد دیده ها تاریک * کسی نیست در میان مصلح تماشابین و حیرانم \ \ لطف کن بر حال زار بی نوایی شهر * که کابل غرقه در خون ، کربلا نادیده پندارم
10- گویند اسم " کابل " از نام " قابیل " برادر " آبیل " و پسر حضرت آدم (ع) گرفته شده است . آندو با هم در همینجا جنگیدند و همدیگر را کشتند . لذا برادرکشی از آنروز به ارث مانده است .
11 - اشاره به حکایت واقعی از سرزدن اسیر شده ای مربوط به جناح مقابل و تجلیل از جریان جان سپاری او که به " رقص مرده" در برخورد های دوگروه در غرب کابل شهرت یافت .

د پانو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

- شعر و کمپوز معروفی است که بعد از جنگهای کابل از جانب اکثریت افغانهای دلشکسته استقبال شد. شعر اینطور آغاز میشود: " کابل جان در گرفت دودش بر آمد " ¹
13 - اشاره به تیمور شاه درانی پسر احمد شاه بابا است که بسال 1773 پادشاه شد. موصوف در سال اول سلطنتش پایتخت را به کابل منتقل ساخت و نقش تاریخی این شهر را دوباره احیاء کرد .

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ